

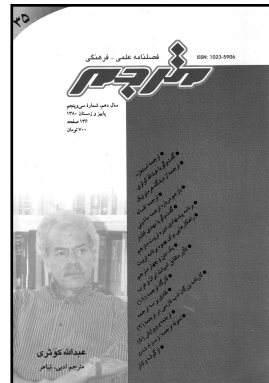


علی میرزائی

سردبیر فصلنامه نگاه‌نو

دست مریزادا!

شادباش به صاحب‌امتیاز و مدیر مسئول و دبیران و همکاران نشریه مترجم. درست در همین سالی که بیست‌سالگی نگاه‌نو به پایان می‌رسد مترجم نیز بیست ساله شده و این شادی من را مضاعف کرده است. با تمام وجود احساس می‌کنم که بیست سال پایداری و بیست سال تدارک مقاله و بیست سال ایستادن کنار ویراستاران و حروف‌نگاران و نمونه‌خوانان و طراحان و صفحه‌آراییان و بعد هم لیتوگرافی و چاپ و صحافی و توزیع و دست آخر هم دویدن به دنبال وصول کردن پول مجله‌های فروخته شده یعنی چه. و بعد هم داستان‌های بیمه



و مالیات که تمامی ندارد. خواننده مجله البته این‌ها را نمی‌داند، ضرورتی هم ندارد که بداند، ولی آنها که اهل فن هستند این‌ها را درک می‌کنند و هر بار که مترجم تازه‌ای روی میزشان می‌آید به باعث و بانیان درود می‌فرستند و دست به دعا برمی‌دارند که شماره تازه دیگری هم در کار باشد.

مترجم جوانی بیست ساله شده است. وقتی دکتر علی خزاعی فر به این فرزند بیست‌ساله نگاه می‌کند طبعاً به خود می‌بالد، شادمان می‌شود، و در دلش قند آب می‌کند، ولی این هم به یادش می‌آید که این کودک با تحمل چه مشقات و سختی‌هایی بیست ساله شده است. مترجم قطعاً از نشریه‌های ماندگار ایران زمین و زبان پارسی است؛ نشریه‌ای تخصصی که خوانندگان خاص خود را دارد؛ خوانندگانی متخصص که به هر کلمه و عبارت و جمله مترجم با باریک‌بینی و موشکافی می‌نگرند.

مترجم نشریه‌ای مستقل است، یعنی از منابع مالی دولتی و شبه‌دولتی و سرمایه‌های بزرگ

برخوردار نیست. از همین روی وظیفه حفظ و ادامه حیات آن بر عهده مخاطبان و خوانندگان آن است. اگر قرار است مترجم بماند و مستقل بماند، خوانندگان آن مکلف هستند که با کمک مالی مستقیم و خرید نسخه‌های بیشتر به یاری بپاخیزند و گرنه، نه مترجم در کار خواهد بود و نه هر نشریه مستقل دیگر.

و نکته آخر اینکه مترجم به دور از دسته‌بندی‌ها و به دور از جنجال‌ها بیست سال دوام پیدا کرده، و این هم از استثناءهای تاریخ مطبوعات ایران است. بار دیگر درود و دست مرزاد به دکتر علی خزاعی‌فر، صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول و سردبیر مترجم، به علیرضا اکبری که آستین بالازده و به میدان آمده تا در کسوت معاون سردبیر مترجم را منتشر کند، و خانم شادی غفوربان، دبیر تحریریه مترجم، و دیگر همکاران مترجم، و با آرزوی ادامه حیات برای مترجم. 